

۲۸ میلیارد ریال هزینه خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی فقط در فروردین وارد بیست ماه امسال!

متن سند سازمان برنامہ بودجه پیرونامه شماره ۱۶۵-۲۳-۳۰۳ مورخ ۱۳/۳/۵۸/۱۲/۲۸ وزارت دفاع ملی در خصوص تقاضای تامین مبلغ ۲۸ میلیارد ریال اعتبار جهت خرید وسائل و تجهیزات نظامی و پرداخت وامهای دفاعی در دو ماهه فروردین و اردیبهشت خواهشمند است دستور فرمائید از نتیجه اقدامی که در این خصوص بعمل آمده است وزارت امور اقتصاد و دارائی را نیز مطلع نمایند.

وزیر امور اقتصاد و دارائی

سازمان برنامه بودجه

پیرونامه شماره ۱۶۵-۲۳-۳۰۳ مورخ ۱۳/۳/۵۸/۱۲/۲۸ وزارت دفاع ملی در خصوص تقاضای تامین مبلغ بیست و هشت میلیارد ریال اعتبار جهت خرید وسائل و تجهیزات نظامی و پرداخت وامهای دفاعی در دو ماهه فروردین و اردیبهشت خواهشمند است دستور فرمائید از نتیجه اقدامی که در این خصوص بعمل آمده است وزارت امور اقتصاد و دارائی را نیز مطلع نمایند.

وزیر امور اقتصاد و دارائی

متن سند سازمان برنامہ بودجه پیرونامه شماره ۱۶۵-۲۳-۳۰۳ مورخ ۱۳/۳/۵۸/۱۲/۲۸ وزارت دفاع ملی در خصوص تقاضای تامین مبلغ ۲۸ میلیارد ریال اعتبار جهت خرید وسائل و تجهیزات نظامی و پرداخت وامهای دفاعی در دو ماهه فروردین و اردیبهشت خواهشمند است دستور فرمائید از نتیجه اقدامی که در این خصوص بعمل آمده است وزارت امور اقتصاد و دارائی را نیز مطلع نمایند.

وزیر امور اقتصاد و دارائی

شاه مرد

متن اعلامیه مربوط به مرگ شاه در صفحه ۲ درج شده است.

مسئله کابینه و کشمکش های دوجناح

هر روز که میگذرد ما شاهد درگیریهای جدیدی در هیات حاکمه میان جناح رئیس جمهور و سران حزب جمهوری اسلامی هستیم. تاکنون در هر مقطع زمانی یک موضوع خاص در کشمکش میان این دو جناح نقش اساسی یافته و اینک در میان موضوعات حادث، مسئله انتخاب نخست وزیر و کابینه جدید به کانون درگیریهای آنان تبدیل گشته و سایر موضوعات را تحت الشعاع خود قرار داده است.

درگیری بین دوجناح، که در گذشته، در عرصه کلیه ارگانهای مهم دولتی جریان داشت اینک بعد از وسیعی بخود گرفته است. پس از تشکیل مجلس کار لیبرالها در برخورد با حزب جمهوری اسلامی بسیار دشوار شده است. اگر در گذشته لیبرالها در ارگانهای دولتی دستکم از جنبه قانونی نیروی عمده محسوب می شدند و از اقدامات حزب جمهوری اسلامی در ارگانهای دولتی بعنوان "دخالت عوامل غیر مسئول و وجود مراکز غیر قانونی و چندگانه قدرت" نام برده و آنرا مورد حمله قرار می دادند، امروز، این "مراکز قدرت غیر قانونی"، نیروی خود را در قدرت "قانونی" مجلس شورای اسلامی باز یافته است. هم اکنون، در آستانه پایان یافتن بررسی اعتبارنامه نمایندگان و آغاز کار رسمی مجلس، کشمکش جناح لیبرال و حزب جمهوری اسلامی، بصورت درگیری شدید بین دو قدرت "قانونی" یعنی قدرت "قانونی" رئیس جمهور، قدرت "قانونی" و مجلس که عمدتاً "در دست حزب جمهوری اسلامی است، مشهور گشته است.

بقیه در صفحه ۲

سخنی با رفقای هوادار پیرامون کار سیاسی و تشکیلاتی

در صفحه ۹

زمینه های عینی تشدید فعالیت بورژوازی بزرگ و تاکتیک های امپریالیسم

مساله کردستان و موضع ما (۳)

اپورتونیست ها خصلت عادلانه جنبش خلق کرد را نفی می کنند

صفحه ۳

صفحه ۵

مردم چه می گویند

صفحه ۸

سرموب دکه داران و نظرات مردم

صفحه ۱۰

هادی غفاری یکی از رهبران چماقداران اعتراف میکند

صفحه ۱۱

مجلس شورای اسلامی حامی ارتش ضد خلقی

باتوجه به مسائل حاد موجود، چون تورم، گرانی، بیکاری، مشکل مسکن، سلب آزادیهای دموکراتیک، سرکوب خلق کرد و... بینیم عمده ترین مسائلی که مورد توجه مجلس شورای اسلامی است و "نمایندگان منتخب مردم" را به گفتگوی چند جانبه مشغول می کند، چیست.

"کیاوش" نماینده مردم خوزستان در رأی طایفه "کودتا" بعنوان سخنران پیش از دستور گفت: "عوامل ضد انقلاب می خواهند از این حادثه بهره گیری منفی کنند... لااقل میان مردم و ارتش مجدداً تفرقه خواهد افتاد و ملت نسبت به ارتش بدبین میشود."

(اطلاعات ۴/۲۴/۱۳۵۹)

بزرگم این نماینده، ضد "انقلاب" می خواهد بین مردم و ارتش تفرقه بیندازد. و متعاقباً برای اثبات حرف خود به گذشته اشاره می کند.

این نماینده مردم در جای دیگری از نطق خود گفت: "پنج شش ماه پیش افرادی از انجمن های اسلامی قصد کودتا را به مقامات مسئول گفته بودند، حتی به سپاه پاسداران و ابوشریف ولی کسی به این گزارشات توجهی نکرد..."

می پرسیم چه کسانی می بایست توجه بکنند و نگردند. پیدا است که با علقت آن برای توده های آگاه جامعه، بویژه خلق کرد و ترکمن و نیز عرب میهنمان روشن است.

حکومت سرمایه داری، به ارتش شاهنشاهی نیاز مبرم دارد تا هر چه بیشتر دستش در جهت خاک و خون کشیدن و سرکوب خلقها و نیز زحمتکشان و کارگران میهنمان باز باشد!

هم "لیبرال" ها و هم حزب جمهوری اسلامی، با همین ارتش به اصطلاح اسلامی به سرکوب بقیه در صفحه ۷



شاه مرد زنده باد توده ها

مرگ شاه مرد و زود خاتمه یابی به کمالهای ننگین حکومتش جز فریب بدبختی، خانه خرابی و فلاکت برای توده های زحمتکشان میهن ما چیزی بجا نیاورد بود و پیش از این جا معماران سوسیالیستی با امپریالیسم جهانی سروداد نمودند، موجب شرف و تادی تمام توده های زحمتکشان میهن ما شد.

در حقیقت، محمد زری مردور از مدت ها پیش یعنی از همان هنگام که هیئت خروش انقلابی توده ها را برقرار و ادا نمود و سپس میل بنیان کن جنبش توده های ایران را باقیام شکوهمند بهمن ماه برای همیشه بسط ننگین رژیم سلطنتی اوزا برچسب زد مرد نمود.

خبا و جناب پنهانی از مزدور سرسپرد ما امپریالیسم در طی سالها حکومت نکبتش که همراهدار دیکتاتورهای فاسد کینه خیز و فرافراژ رژیم ترور و خفقان بود، دارای آنچنان ابعاد است که هیچگاه توده های زحمتکشان میهن ما آنهارا فراموش نخواهند کرد.

سرنوشت عبرت آمیز محمد زری مردور، درمی است که تاریخ بهیچ وجه نمی تواند فراموش کند رژیم زری را.

سرنویره به حکومت ننگین آن دادند، در جهت استعمار و سرکوب توده های مردم گام بردارند.

تاریخ از مدت ها پیش سرنوشت تمام حکومتها را که با استعمار توده ها و توسل به سرکوب و قهر به حکومت ننگین شان ادامه میدهند و افرادی بطور محض برای مردور را تعیین کرده است. همه آنها به زوال و انهدانی تاریخ سرسپرد خواهند شد.

هدف ما زری توده های زحمتکشان میهن ما را برای اجرای این فرمان تاریخ است.

توده های زحمتکشان میهن ما تحت تاثیر علییر رژیم سلطنتی تا قیام کردند و آنرا بکوبسیر دادند، بلکه در همان حال خواستار تداوم مبارزه در جهت قطع هرگز ناپذیر استیلا امپریالیسم جهانی بر سرکوبی آمریکا و سرانجام با بودی سرمایه داران و زمینداران و روشی هرگز ناپذیر استعمار بود و هستند. توده های مردم در سرنوشتی رژیم شاه، رهائی از قید ستم و استعمار، و تغییر اساسی در شرایط زندگی خود را امید دارند. شرایط رژیم شاه معاصرت و بدبختی های گذشته باستان بخشد، اما آنان که از همان فردای قیام کردند، راه خبیانت نسبت به خلق میهن ما را در پیش گرفتند، و امپریالیستی خلفای امپریالیسم در جامعه ما بر تاج سلطنتی شان را از ما زری علیام امپریالیسم، و خوب آگاهند که چنانچه توده سلطنتی امپریالیسم در جامعه ما بر تاج سلطنتی های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و غیره بر سر توده های زحمتکشان میهن ما زری استوار نگذاشت و بر سر خواهد شد.

همچنین توده های زحمتکشان میهن ما باید بدانند که مبارزه علیه امپریالیسم و قطع هرگز ناپذیر استیلا امپریالیسم بدون مبارزه علیه سرمایه داران و زمینداران بزرگ و برانداختن سرمایه داران و وابسته های حکومت، بجای این باز هم حکومتی نظیر حکومت شاه بر مردم تحمیل خواهد شد.

اما با این بدبختی که اگر توده های تحت ستم، بقیان رژیم که مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داران را بایستادند و هم خواهد یافت و هر نیروی که در برابر او محمل ناپذیر توده ها مقاومت کند، برودی هم اندر رژیم شاه مزدور و وابستگانی تاریخ سرسپرد خواهد شد.

ا کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان شوروی، روسا، و تمامی نیروهای انقلابی، سرکوب محمد زری مردور را با همه ترفند و شغف چشم می گیرند، اما در همان حال مبارزه را تا نابودی امپریالیسم جهانی، سرگردانی امپریالیسم آمریکا و پانگه داخلش ادامه می دهند.

پیروزی توده مبارزات توده های زحمتکشان میهن ما
نابود باد امپریالیسم جهانی سرگردانی امپریالیسم آمریکا و پانگه داخلش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵۹/۵/۶

مسئله کابینه و کشمکش

بقیه از صفحه ۱

است. مسلماً این دو قدرت حتی پس از تعیین کابینه نیز در مقابل هم قرار خواهند گرفت. دور جدید درگیریها، پس از کشف توطئه کودتا، با تاخت و تاز حزب جمهوری اسلامی علیه لیبرالها و رئیس جمهور آغاز شد و سپس با سخنان آیت الله خمینی که مشخصاً "نوکتیز حمله خود را متوجه جناح لیبرالها نموده بود، به اوج خود رسید. این موج جدید تنها جم حزب جمهوری اسلامی که با اقدامات سرکوبگرانه در کل عرصه سیاست تلفیق گشته بود، آنچنان دامنه وسیعی یافت که حتی آیت الله مشکینی در نماز جمعه هم، خواستار محاکمه دولت موقت و هیات "حسن نیت" شد. اما این موج، با سخنان بعدی آیت الله خمینی در حضور فرماندهان ارتش تخفیف یافت. اینبار آیت الله خمینی درست برخلاف نطق قبلی خود، با تاکید بر آنکه حمایت از رئیس جمهور و ارتش وظیفه شرعی "امت مسلمان" است، عملاً در صدد تقویت رئیس جمهور از این طریق لیبرالها برآمد. اما با این وصف، بنی صدر در یک مصاحبه رادیویی تلویزیونی که پس از این سخنان آیت الله خمینی بعمل آورد، نا امیدی کامل خود را نسبت به حل بحران درونی هیئت حاکمه به روشنی نشان داد. در ضمن، مواضع رئیس جمهور در این مصاحبه نشان داد که درگیری او با سران "حزب" نقطه عطف جدیدی را در پشت سر گذاشته است، زیرا او برای اولین بار و بطور بیسابقه و مستقیم به حزب جمهوری اسلامی حمله نمود و تهدید کرد که چنانچه نظریات او در مورد تعیین نخست وزیر و کابینه مسسورد پذیرش قرار نگیرد دهیچگونه مسئولیتی در قبال دولت آینده بر عهده نخواهد داشت.

البته این بدان معنی نیست که حاضر به دادن هیچگونه تسهیلی امتیازی به حزب جمهوری اسلامی نیست و تکیه بر این است که گمان انتخاب میر سلیم ناشی از جو متشنج موجود و بیانگسیر موضع "تفاهم" امیزاوست، گویای این حقیقت است که لیبرالها بخوبی بی باین مطلب برده اند که بدون دادن امتیاز به سران حزب جمهوری اسلامی قادر به حفظ موقعیت سیاسی خویش در دستگاه دولتی نخواهند بود. واقعیتی است که لیبرالها بدون "حزب" و "حزب" بدون لیبرالها قادر به حکومت نیستند. بعلاوه انتخاب میر سلیم از جانب بنی صدر بعنوان نخست وزیر که خود عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی است، بطرز نا امیدانه ای صورت گرفته است، اما بیانگر این مطلب است که لیبرالها با تکیه بر سابق و تجارب سیاسی خویش از بکارگیری تاکتیک های مناسب در شرایط حساس، غفلت نکردند و از اختلافات درونی "حزب" بهره می گیرند. اگر چه طیف شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بطور کلی مخالف با سیاست و تفکر لیبرالهاست، اما نسبت دوری اعضای نه لیبرالها متفاوت است.

گویا اینکه در شرایط فعلی ما قادر به تعیین دقیق جناح بنسبتی درونی شورای مرکزی حزب نیستیم اما اختلافات درونی آنان بیرویه

در بر خورد شان نسبت به رئیس جمهور و لیبرالها در وضعیت بحران کنونی بیانگر وجود جناح بندیهای درونی آنست. فی المثل در جریان درگیری آیت و بنی صدر شاهد این اختلافات بودیم و همچنین در موضوع تعیین نخست وزیر می بینیم که بهشتی از میر سلیم نیز پشتیبانی می کند حالیکه آیت ویرا "بحد کافی قاطع" نمی داند. نباید فراموش کرد که تعیین نخست وزیر پایان کار نیست، چه بسا که در صورت تمایل و رای اعتماد مجلس نسبت به نخست وزیر میر سلیم هنگامیکه موضوع تعیین وزراء پیش کشیده شود تمایل به میر سلیم با لکل نقض گردد. در چشم انداز سیاسی آنچه که محتمل است عدم توافق دو جناح بر سر تعیین نخست وزیر کابینه است در این صورت تنها عاملی که می تواند بطور موقت وظاهری شدت اختلافات را تخفیف دهد و نخست وزیر و کابینه را تعیین کند آیت الله خمینی است. آنچه که می توان به یقین گفت آنست که تعیین کابینه بهر صورت و با هر ترکیبی که باشد بهیچوجه نمی تواند مبین حل و یا حتی تخفیف واقعی تضاد میان جناحهای رقیب

ادامه مطلب
"بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته" بعطت تراکم مطالب میسر نشد. چاپ دنباله این مطلب به شماره های بعد موقوف میشود.

در هیات حاکمه باشد. آنها هر یک در حالیکه توده های وسیع کارگران و زحمتکشان میهنان از بی کاری، فقر و سرکوبی رنج می برند بر سر کسب قدرت بر تودارگانهای دولتی و پیشبرد سیاستها و روشهای خاص خویش به رقابت جنون آمیزی برخاسته اند. این تضادها چهره طبقه ای را نشان میدهد که می کوشد خود را نمایندنده توده ها جا بزند. اما واقعیت اینست که آنها به چیزی که فکر نمی کنند وضعیت توده های زحمتکشان میهن ماست. هدف محوری و مشترک هر دو جناح یعنی هم لیبرالها و رئیس جمهور و هم سران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی، آیت، رفسنجانی و... همانا تقویت و تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته ایران و حل بحران سیاسی و اقتصادی به نفع سرمایه داران و زمینداران ایران است. آنها برای تحقق این هدف اساسی هر روز بطور وسیعتری به سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان پرداخته و سعی در نابودی جنبش خلقهای ایران دارند. وظیفه نیروهای انقلابی و مترقی ایران است که توده ها را نسبت به اهمیت اختلافات دو جناح آگاه نماید و آنها را در مبارزات انقلابی شان بسیج و هدایت نمود و موازات تلافی نرزی عظیم انقلابی شان جلوگیری نمایند.

استقلال - کار - مسکن - آزادی



زمینه های عینی تشدید فعالیت بورژوازی بزرگ و تاکتیک های امپریالیسم

حدت و گسترش بحران سیاسی موجود بر زمین بحران اقتصادی رشد روز افزون نارضایتی توده ها تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و سرانجام تقویت و رشد روز افزون سازمانهای انقلابی و مترقی، موقعیت حساس و پیچیده ای را پدید آورد و باعث شد ما است که امپریالیسم و بورژوازی بزرگ هر اسان تلاش های خود را در امر استقرار حاکمیتی وابسته به بورژوازی بزرگ دوچندان کنند و بر این اساس به شیوه های مختلف از جمله طرح توطئه های گوناگون و زمینه چینی برای اجرای کودتا

توضیح حقایق بازمانده و بیانکار واقعیات پناه برده است... اکنون لازم است که با بررسی و تحلیل رویدادهای اخیر و یکباردیگر نشان داده شود که آیا سیاست و از گونه و چپ روانه ای را در پیش گرفته و از توضیح حقایق بازمانده ما، یا "کمیته مرکزی" با تبلیغ سطحی نگرانی عامیانه در سطح جنبش به توجیه سیاستهای راست خود پرداخته است؟ مادر صمیمه کار عریه "کمیته مرکزی" نشان دادیم که چگونه جناحهای بورژوازی در شرایطی حتی به جنگ موجود در کشور، در برابر یک معما قرار می گیرد که چگونه امپریالیسم به تاکتیک فشار علیه حاکمیتی متوسل شده که عمدتاً بورژوازیست، اپورتونیست ها نیز از همین نقطه آغاز می کنند و می کشند تا با جایگزین ساختن سطحی نگرانی عامیانه بنحیث تبیین مارکسیستی پدیده های اجتماعی، دلایلی برای توجیه تسلیم طلبی و سازشکاری خود ارائه دهند و بر این زمینه تبلیغ و ترویج نظرات انحرافی رفرمیستی خود بپردازند، سر مقاله مندرج در "ارگان" کمیته مرکزی شماره ۶۷ نیز که طبق معمول حاوی نظرات ناسخ و منسوخ و بیانگر زوایای فکری و تناقض گویی جناح اپورتونیست "کمیته مرکزی" است پس از پرداختن به مسئله کودتا و بیان یک سری کلی با فسی و تناقض گویی سعی کرده است که یک چنین دیدگاهی را در خواننده القاء کند و سرانجام نیز چنین نتیجه گرفته است که "در پایان با جاست به سیاست و از گونه و چپ روانه بر گروه ها و سازمانهای چون اشرف دهقانی، راه افدائی، اقلیت منشعب، راه کارگر، پیکار و شرکا نیز اشاره شود که چگونه پیشداوریها، قضاوت های شتابزده، تحلیلهای کودکانه و پندار بافی های آنان در سستیز با واقعیت های عینی در یکسال و نیم اخیر مدام آچمز شده و از می کنیم.

حقیقت غیر قابل انکاری است که امروز با گذشت نزدیک یکسال و نیم از قیام بهمن ماه ۵۷، در همان حال که ما شاهد عمق یابی وحدت مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی توده های مردم بوده ایم، شاهد جدائی روز افزون و فاصله گرفتن توده ها از حاکمیت موجود هستیم، حاکمیتی که نه تنها به خواست های توده های مردم پاسخی نگفته و در جهت انجام آنها گامهای اساسی برنداشته، بلکه در هر گام خود رودر روی توده ها قرار گرفته و در بسیاری موارد دیگر مسلمانان علیه آنها متوسل شده است. طبیعی است که این امر منجر به جدائی روز افزون توده ها و قطع امید آنها از حاکمیت موجود شود. هنگامیکه پیش از قیام توده ها بیخاستند و آشتی ناپذیر و پیگیر در امر سرنگونی رژیم پوسید و سر سپرده ها گام نهادند و سرانجام با خشم انقلابی خود کاسهای ستم "شاهنشاهی" را در هم کوبیدند، سرشار از امیدها و آرزوهای بودند که به سالیان دراز سرکوب و ستم، فحش و استعمار پایان بخشد. هنگامیکه آنها علیرژیم مزدور شاه قیام کردند خود در پی انجام انقلابی این خواستها و نیازها، این آرزوها و امیدها برآمدند، اما سارشی که در حین قیام شکل گرفت و اعتماد ناگاهانه ناشی از زود باوری توده ها به رهبری خرد بورژوازی جنبش و حاکمیت جدید، مانع از آن شد که تغییری ژرف در شرایط زندگی توده ها و در تمامی عرصه های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه پدید آید و آنها را از طبقات و اقشار محروم و تحت ستم به اقشار و طبقات حاکم بدل کند، مانع از آن شد که خواستهای ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های مردم که مستلزم قطع هرگونه وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی به امپریالیسم و دمکراسی براساس توده ها است، تحقق یابد.

سیر وقایع بگونه ای بود، که گریز از توده ها رژیم سلطنتی را با قهر انقلابی سرنگون کردند، اما ابتکار انقلابی از آنها سلب شد و قدرت از دست جناحی از بورژوازی، بطور عمد به دست جناحی دیگر افتاد و این همان مسئله ایست که "کمیته مرکزی" گرچه زیر فشار شرایط و واقیقات سرسخت شرمگینانه مجبور است بدان اعتراف کند، اما نتیجه گیری و از گونه ای از آن می کند، مثلاً آنها در سرمقاله ۶۷ می نویسند: "با پیدایز خود پیرسیم چرا این نهادها که حاصل قیام بودند ارتش شاهنشاهی را حفظ کردند؟ چرا از شخصی مثل بازرگان و گابینه لیسرال او دعوت کردند، که حکومت را تشکیل دهد؟ چرا سرمایه سرمایه داران وابسته را مصدوم نکردند و چرا سیاست خارجی را طوری پیش نبردند که خلق ایران با کمک متحدین و دوستان خود در سراسر جهان امروز فشارهای اقتصادی امپریالیستی و این اندازه در رنج گزینی و بیگاری ناشی از آن قرار نداشتند؟ چرا در اسرار وزارت خارجه ایران فردی چون قطب زاده دوست امپریالیسم آمریکا قرار داد؟" کسی که چشمی برای دیدن و گوشه ای شنیدن داشته باشد و در پی تحریف و واقعیات و فریب توده های مردم بر نیامد، با شد، پاسخ این چراها را با یادگسی خواهد یافت و "کمیته مرکزی" در این سرمقاله از محافظه کاری و سازشکاریهای که در جمهوری اسلامی و شورای انقلاب شده است سخن می گوید، اما ماهیت این سازشکاری را توضیح نمی دهد آنها نمی خواهند، سازش سران خرد بورژوازی یا بورژوازی را که منجر به شکل گیری "ارگان سازش" شد بپذیرند. از همین روست که در توجیه سیاستهای اپورتونیستی خود به تناقض گویی دچار میشوند، باری قدرت از دست جناحی از بورژوازی عمدتاً به دست جناحی دیگر افتاد و

دولت بازرگان و شورای انقلاب با اتکاء به ارگانها و نهادهای بورژوازی در مسیری ضد انقلابی گام نهادند، جلو ابتکار انقلابی توده ها را گرفتند، و از این پس بر هر خواست بحق توده ها مهر ناعق زده شد، و هر صدای حق طلبانه و حمتگشان را در گلو خرد کردند، کارگران را بنام کمونیسم کوبیدند، خلقها را بعتوان تجزیه طلب سرکوب کردند، دهقانان را تجاوزکار نامیدند، دانشجویان را بگلوله بستند و به سازمانهای انقلابی، برچسب ضدانقلابی زدند، خواستها و نیازهای اساسی توده ها تحقق نیافت و این روند همچنان ادامه یافت. بر بستر چنین زمینه عینی است که پروسه جدائی و روی برتافتن توده ها از حاکمیت آغاز شد، کم کم اعتماد ناگاهانه ناشی از زود باوری، در پاره های موارد به بی اعتمادی آگاهانه و در پاره های دیگر به بی تفاوتی سیاسی منجر گردید و این پروسه همچنان در حال طی شدن است در یک چنین شرایطی است که امپریالیسم و بورژوازی بزرگ با توجه به مجموع شرایط حاکم بر جنبش و با استفاده از شیوه های مختلف زمین را برای عملکرد مساعد یافته و فعالیت خود را در جهت استقرار هر چه سریعتر دولتی یک دست بورژوازی تشدید کرده اند، اما این زمینه های عینی تشدید فعالیت امپریالیسم و بورژوازی بزرگ از جنبه دیگر نیز فراموش شده است و آن بحران درونی هیئت حاکمه و تشدید تضادهای درونی ارگان سازش است.

در اینجا لازم است اندکی مکت کنیم و همراه با توضیح تاریخی ارگان سازش، هدف استراتژیک امپریالیسم و نیز تاکتیکهای آن را در جهت رسیدن به این هدف توضیح دهیم: اساس پروسه سازش و شکل گیری ارگان سازش، نه پروسه های مکانیکی بلکه سازشی تاریخی بود که محصول مرحله معینی از رشد مبارزه طبقاتی، ناتوانی هیئت حاکمه و امپریالیسم در مهار کردن جنبش توده های و نیز خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری خرد بورژوازی جنبش بود. این سازش بحسب مجموعه شرایط حاکم، ضرورتاً به منتهی و های ستم دار ارگان سازش تمایل شد. امپریالیسم و بورژوازی بزرگ در برابر رشد جنبش توده های و رادیکالیزه شدن آن، بناچار بقیه در صفحه ۴

زمینه های عینی تشدید

بقیه از صفحه ۳

بودند ، از طریق تن دادن به رفرمها و امتیازات موقتی عقب نشینی های تاکتیکی و بر آوردن پاره های از خواسته های سران خرده بورژوازی ، در طی یک پروسه رشد مبارزه طبقاتی راسد نماید و تضادهای درونی ارگان سازش را بنفع بورژوازی حل کند ، کانال اعمال این سیاست امپریالیسم بورژوازی متوسط ، بویژه بورژوازی لیبرال " بود . اما ز همان آغاز ، قیام خسود انگیزه توده ها و نتایج حاصل از آن ، از جمله وارد آمدن ضرباتی

سازش بارهبری خرده بورژوازی جنبش و دادن امتیازات و عقب نشینی های تاکتیکی را مناسب ترین شیوه تامین منافع خود یافتند ، بورژوازی متوسط با گرفتن امتیازاتی از بورژوازی بزرگ و یافتن نقش همونیک در حاکمیت سیاسی ، وظیفه ساز سازی سیستم راعهده دار شد . ورهبری خرده بورژوازی جنبش که بخاطر همان خصوصیات طبقاتی و قشری خود از

رادی کالیز شدن جنبش توده های و نیرو گرفتن سازمانهای انقلابی و مترقی بهراس افتاده بود ، بسازش با بورژوازی تن داد . بدین لحاظ ، گرچه با توجه به سطح رشد مبارزات توده ها ، شکل گیری ارگان سازش ، مناسب تر به راه نجات سیستم بود ، اما در همان حال این ارگان بخاطر ترکیب ناهمگون و تضادهای درونی خود ، نمی توانست در دراز مدت با همین شکل تامین کننده منافع کامل امپریالیسم و بورژوازی وابسته بزرگ باشد . بلکه این ارگان می بایستی با حل تضادهای درونی خود ، به استقرار حاکمیت سیاسی بورژوازی بزرگ منجر گردد . بنا بر این با شکل گیری ارگسان سازش امپریالیسم یک هدف معین را تعقیب کرده است و آن حل بحران سیاسی ، حل تضادهای درونی ارگان سازش ، سد کردن رشد مبارزه طبقاتی و بالنتیجه استقرار حاکمیت سیاسی بورژوازی بزرگ بوده است . اما امپریالیسم تا با مرز در جهت تحقق این هدف استراتژیک خود عمدتاً به دو تاکتیک متوسل شده است و این تاکتیکها دقیقاً رابطه معینی با سطح رشد مبارزه طبقاتی ، موقعیت بورژوازی بطور اعم و بورژوازی متوسط بویژه بورژوازی " لیبرال " بطور اخص ، موقعیت سران سازشکار خرده بورژوازی ، موقعیت گروه ها و سازمانهای انقلابی داشته است .

تاکتیک امپریالیسم در مرحله اول از شکل گیری ارگان سازش تا سقوط دولت بازرگان بر این منوال بوده که با توجه به اعتماد نا آگاهانه توده ها نسبت به حاکمیت و در شرایطی که سازمان های انقلابی نقش چندانی در هدایت ورهبری جنبش نداشتند و فاقد پایگاه لازم و موثر توده های

باسقوط دولت بازرگان امپریالیسم برای رسیدن به هدف استراتژیک خود به شیوه های دیگر از جمله توسل به فشار روی آورد ، تصرف سفارت امپریالیسم آمریکا به خلاف دو دیدگاه انحرافی موجود در جنبش ، نه ناشی از عملگرهای حاکمیت انقلابی و ضد امپریالیست و نه ناشی از توطئه های بورژوازی و امپریالیسم بلکه محصول رشد مبارزه ضد امپریالیستی توده ها بود ، نقش موثری در اتخاذ تاکتیکهای توسل به فشار از سوی امپریالیسم داشته است . اما عامل اصلی توسل به روشهای اخیر در چه چیزی نهفته است ؟ مادیدیم که امپریالیسم در شرایطی تاکتیک نخست یعنی تاکتیک عقب نشینی ، و تن دادن

شرایط ، بدون توجه به نقش استراتژیک مبین مادر عرصه معادلات بین المللی ، و بدون توجه به رشد سازمانهای کمونیستی ، و انقلابی ، دست روی دست بگذارند و منتظر آن روز خواهد شد که همین حاکمیت منافعش را بطور کامل تامین کند . خیر ؟ امپریالیسم بسته به شرایط از جمله شرایط موجود می کوشد تا با توسل به تاکتیک فشارهای مختلف اقتصادی ، سیاسی و نظامی از یکسو ، توده ها را بپیش از پیش در حالت فقر ، گرسنگی ، بیکاری و ناامنی تحت فشار قرار دهد ، " نظم طلبی " و " گذشته گرایی " را در توده های نا آگاه تقویت کند ، آنها را بحالت انفعال بکشاند و از سوی دیگر در جهت ایزوله کردن جناحهای از هیئت حاکمه در

سیاستهای ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه هیئت حاکمه بویژه سیاست سران حزب جمهوری اسلامی علیه سازمانهای انقلابی ، توده های مردم و تضییق حقوق دمکراتیک آنها سود می برد ، در همان حال سعی می کند ، با رضایتی توده ها را کانالیزه کرده و آنها را بسوی بورژوازی بزرگ سوق دهد . رویدادهای اخیر بوضوح نشان میدهد که چگونه خود هیئت حاکمه کنونی نیز زمینه فعال شدن نمایندگان بورژوازی بزرگ را فراهم می سازد و آنها را بعنوان آلترناتیوی در برابر حاکمیت کنونی ارائه میدهد . هنگامی که سیاست هیئت حاکمه در جهت حجاب اجباری اجرا می شود و تمامی کسانی را که از اجرای این سیاست ضد دمکراتیک هیئت حاکمه سر باز می زنند ، طرفدار بختیار میخوانند ، هنگامی که بعضی پاسخگویی و تحقق بخشی خواسته های زحمتکش نمایان " زور آباد " برنامه بهم ریختن خانه ها و کاشانه های آنها را بی زیر بند و اعتراض آنها را بنام صداقت انقلاب و طرفداران بختیار سرکوب می کنند ، و یا اعتراض دیکه داران کنار خیابان را به تیر و هوای ضد انقلاب طرفدار بختیار نسبت میدهند ، هیئت حاکمه نه تنها با یک چنین اقداماتی به سرکوب توده های پیروزازد بلکه در همان حال زمینه فعال شدن و مطرح شدن نمایندگان بورژوازی بزرگ را فراهم می کند ، و آنها را بعنوان آلترناتیوی برای حکومت آینده ارائه میدهد . امپریالیسم و بورژوازی همچنان از سیاستهای قشری و ضد دمکراتیک سران سازشکار خرده بورژوازی استفاده می کنند و سعی مینمایند توده های مردم را از توجه به ریشه های عمیق بدخترکی و فلاکت خود منحرف کرده و تمامی مضائق و مشکلات را نتیجه مداخله روحانیت در امور سیاسی و سیاستهای قشری آنها معرفی کنند . آنها می کوشند که مبارزه طبقاتی را منحرف کرده و توده ها را از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته بسوی مبارزه علیه آخوندها سوق دهند . بنا بر این بی بینیم که نه تنها شرایط اقتصادی موجود بلکه شرایط اجتماعی و سیاسی زمینه های تشدید فعالیت بورژوازی بزرگ و تغییر تاکتیکهای امپریالیسم را پیش آورد است و این امر بهیچوجه نمی تواند دلیلی بر ماهیت مترقی و انقلابی حاکمیت کنونی باشد .

عملگردهای تاکتیک توسل به فشار از سوی امپریالیسم
میتوان در مشاهده اقتصادی هر چند بشکلی ناقص آن ، زیر
کسه یا توجه به اهمیت تاکتیک کنونی ، این محاصره نمی تواند واقعی باشد]
فشارهای سیاسی ، فشارهای نظامی و غیره دیت .

به امتیازات و رفرمهای موقتی را اتخاذ کرد و بود که قبل از هر چیز توده ها به حاکمیت جدید اعتماد داشتند ، اما در مرحله دوم هنگامی که تاکتیک فشار متوسل شده است که توده ها اعتماد خود را به حاکمیت پیش از پیش از دست میدهند و از آن جسدا می شوند . علاوه بر تاکتیک در شرایطی اتخاذ شده است که از یکسو بورژوازی متوسط نتواند خود را در حل بحران اقتصادی و سیاسی و تخفیف تضادهای درونی ارگان سازش نشان داده است و از سوی دیگر بیست جناحهای حاکم درگیری حادی بروز کرده است . در چنین شرایطی از ناتوانی هیئت حاکمه در پاسخگویی به مسائل توده های مردم ، حدت تضادهای درونی ارگان سازش و در شرایطی که نیروهای انقلابی و مترقی بیش از پیش توده های وسیعی را بجانب خود جلب می کنند ، امپریالیسم و بورژوازی وابسته هر اسان از نفوذ و قدرت گیری سازمانهای چپ فعالتر وارد میدان شده اند . این تصور یقینت خام و کودکانه است که چنین پنداریم ، از آنجا که حاکمیت موجود عمدتاً " بورژوازی است ، و بالاخره ، پس از طی مدتی منافع امپریالیسم بنحو کامل تامین خواهد شد ، به پیس امپریالیسم بدون توجه به مجموع

جهت حل تضادهای حاکمیت بکوشد و زمینه مادی لازم را برای استقرار هر چه سر بعت حاکمیت بورژوازی بزرگ فراهم سازد . بدین منظور امپریالیسم حتی به شیوه های قهراً میزوتوسل به کودتا نیز که نمونه های فراوان آن در کشورهای آسیای افریقای و آمریکای لاتین دیده ایم ، متوسل میشود ، که این خود میتواند ساز درون هیئت حاکمه و یا از بیرون آن نظیر طرح اجرای کودتای اخیر ، صورت گیرد . فشار از سوی امپریالیسم را میتوان در محاصره اقتصادی هر چند بشکلی ناقص آن ، (زیر آکسید توجه به ماهیت حاکمیت کنونی ، این محاصره نمی تواند واقعی باشد) فشارهای سیاسی ، فشارهای نظامی و غیره دید . بنا بر این بی بینیم که در همین شرایط نیز " فعالتهای تبلیغاتی امپریالیسم و محافل وابسته به بورژوازی بزرگ از طریق رادیوهای صدای آزاد ، رادیو آمریکا ، رادیو بغداد ، تشدید شد و ارتجاعی ترین نمایندگان بورژوازی نظیر بختیار و سلطنت طلبان نیز فعال شده اند . آنها می کوشند که با توجه به شرایط موجود خود را بعنوان تنه آلترناتیوی برای پاسخگویی به نیازهای توده های مردم جا بزنند . امپریالیسم که از یکسو از

سیاستهای قشری و ضد دمکراتیک سران سازشکار خرده بورژوازی استفاده می کنند و سعی مینمایند توده های مردم را از توجه به ریشه های عمیق بدخترکی و فلاکت خود منحرف کرده و تمامی مضائق و مشکلات را نتیجه مداخله روحانیت در امور سیاسی و سیاستهای قشری آنها معرفی کنند . آنها می کوشند که مبارزه طبقاتی را منحرف کرده و توده ها را از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته بسوی مبارزه علیه آخوندها سوق دهند . بنا بر این بی بینیم که نه تنها شرایط اقتصادی موجود بلکه شرایط اجتماعی و سیاسی زمینه های تشدید فعالیت بورژوازی بزرگ و تغییر تاکتیکهای امپریالیسم را پیش آورد است و این امر بهیچوجه نمی تواند دلیلی بر ماهیت مترقی و انقلابی حاکمیت کنونی باشد .

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



مسئله کردستان
و موضع ما (۳)

اپورتونیستها خصلت عادلانه جنبش
مقاومت خلق کرد را نفی می کنند!

در شماره گذشته به بررسی نظریات اپورتونیستی "کمیته مرکزی" درباره ماهیت و خصلت سیاست های هیئت حاکمه در کردستان و درگیریهای بین ارتجاعی ترین محافل وابسته به سرمایه داران و زمینداران بزرگ نظیر پالیسیها و اویسی ها و... و دولت مرکزی پرداختیم و نشان دادیم که چگونه آنها میکوشند سیاستهای بورژوازی و ضد دموکراتیک حکومت را سیاسی انقلابی و ضد امپریالیستی قلمداد نموده و مبارزات خلق کرد را تحریف نمایند.

آنها برای توجیه مشی رفرمیستی و سازشکارانه خویش میکوشند ماهیت و خصلت قدرت دولتی را که بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط است، انقلابی، ضد امپریالیستی و خرده بورژوازی معرفی کنند. لذا آنجا که تحلیل های شان با واقعیت موجود در تضاد آشکار قرار دارد دچار تناقض گوئی های مکرر میشوند و ناچار به تحریف واقعیات می پردازند.

اپورتونیستهای نوپاکه با تحریف مضمون طبقاتی سیاستهای هیئت حاکمه، ضد امپریالیستی و انقلابی جلوه دادن این سیاستها رهبری مبارزه ضد امپریالیستی و پیشبرد "انقلاب" را به حکومت سپردند. با تحریف علل اجتماعی و طبقاتی مبارزات خلق کرد و نادیده گرفتن خصلت عادلانه جنبش مقاومت خلق کرد، صرفاً به محکوم کردن جنگ پرداخته و درباره آثار و نتایج مخرب آن سخن میکویند و می نویسند.

سیاستهای جنگ طلبانه به تشدید خصومت ملی میان خلقهای ایران انجامیده" (سر مقاله ارگان سراسری کمیته مرکزی شماره ۶۵) و ادامه جنگ در کردستان به معنی رویارویی هر چه بیشتر مردم در برابر هم و به معنای آنست که بخش بزرگی از نیروی مردم ما از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا یعنی دشمن اصلی خلقهای ایران منحرف شده و به دشمنی میان صفوف خود تبدیل گردد" (بیانیه) باره وظایف نیروهای انقلابی و مترقی کردستان

اپورتونیستهای جنگ را محکوم می کنند بدور آنکه خصلت آنرا معین کرده باشند. آنها از جنگ برادر کشی و رویارویی مردم با مردم، و به انحراف کشانده شدن بخش بزرگی از نیروی مردم در باره علیه امپریالیسم صحبت می کنند، بدور آنکه مشخص سازند که بخش بزرگی از مردم توسط کدام نیروها به انحراف کشیده شده اند.

آیا این نیروها، نیروهای سیاسی حاکم هستند که بخش بزرگی از مردم را بعلت ناآگاهی شان علیه مبارزات عادلانه خلق کرد بسیج می کند و از مبارزه علیه امپریالیسم منحرف می سازند و ارتجاعی سازان را به سرکوبی توده های زحمتکش خلق کرد گسیل می دارند، یا نیروهای انقلابی هستند که از مبارزات عادلانه خلق کرد دفاع می نمایند؟

برای اپورتونیست ها صرفاً محکوم کردن جنگ مطرح است و نه چیز دیگری. چرا که به "صلح اجتماعی" می اندیشند. آنها فراموش کرده اند که لنین می گفت: "سوسیالیست ها هرگز مخالف جنگهای انقلابی نبوده و نمیتوانند باشند". (لنین بر نامه جنگی پرولتاریائی) و "کسی که مبارزات طبقاتی را قبول ندارد نمیتواند

جنگهای داخلی را بنامها دامو تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی، قبول نداشته باشد. تمام انقلابهای کبیر موبد این اصلند. نفی یا فراموش نمودن جنگهای داخلی معنایش دچار شدن به منتهای درجه اپورتونیسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است" (همانجا)

آنها این جنگ، یادست تریگویم سرکوب قهرآمیز زحمتکشان خلق کرد را توسط ارتش، پاسداران، جاشها و... رویارویی مردم با مردم مینامند. لابد در نظر آنان ارتش مردم است. و نیروهای که با هواپیما های فانقوم به بمباران کودکان، زنان، و خلاصه مردم بیگناه اقدام می ورزند توده ها هستند. و شاید از همین نگاه است که آنان، مغز توده های خلق کرد را با ارگانهای سرکوبگر، رویارویی خلق کرد با مردم قلمداد میکنند. اینها مشی از واقعیات تلخی است که هر ناظر آگاهی براهتی مینواند مشاهده کند اما اپورتونیستها، بنام ماهیت شان حاضر نیستند واقعیت امر را، که روشن و عیان است برای توده ها بازگو نمایند. می نویسند:

"هیچگاه فراموش نمی کنیم که همواره این ارتش و سپاه پاسداران بوده اند که شهرها و روستاهای کردستان را بمباران کرده و هزاران تن مردم کردستان را به شهادت رسانده اند. ولی ما انقلابیون کمونیست وظیفه خود را تکرار این واقعیات نمی دانیم" (سر مقاله ۶۵)

البته شما که بناحق خود را انقلابیون کمونیست نامیده اید، وظیفه ندارید این واقعیات را برای توده های ناآگاه مردم در مناطق توضیح دهید و ماهیت واقعی سیاستهای هیئت حاکمه را فاش سازید. چنین امری (افشاگریهای سیاسی) وظیفه انقلابیون کمونیست راستین است.

لنین درباره اهمیت افشاگریهای سیاسی برای تربیت و تشکل پرولتاریائی می نویسد:

"معرفت سیاسی و فعالیت انقلابی توده ها را با هیچ چیز نمیتوان تربیت نمود مگر بوسیله همین افشاگریها. بنابراین چنین فعالیتی یکی از مهمترین وظایف تمام سوسیال دموکراسی بین المللی است.

زیرا طبقه کارگر برای اینکه خود را بشناسد باید بر متاسبات متقابل کلیه طبقات جامعه معاصر و قوف کامل و آزان تصور روشنی داشته باشد... و قوف و تصویری که تنها دارای جنبه تئوریک نباشد... یا بعبارت صحیحتر، بنای آن بیشتر بر تجربیات حیات سیاسی باشد... این افشاگریهای همه جانبه سیاسی شرط ضروری و اصلی پسرورش روح فعالیت انقلابی توده ها میباشد.

(لنین چه یاد کرد تا کیدها از لنین است)

از نظر اپورتونیستهای ماضورتنی ندارد که توده های مردم از آنچه در کردستان میگردد اطلاع یابند و تصور روشنی درباره نقش ارتش و پاسداران، مناسبات نیروهای اجتماعی مختلف، سیاستهای هیئت حاکمه در آنجا و جنبش مقاومت خلق کرد و... داشته باشد. چرا که هدف آنان کشاندن توده های مردم به عرصه عمل انقلابی و تربیت و تشکل نیست بلکه آنها توده ها را به دنباله روی از حکومت فراخوانده پیش از این به ناآگاهی و توهم آنان دام میزنند تا

بتوانند بیدوست های شان را با حکومت و ترک نمودن سنگر مبارزه توده ها را توجیه نمایند.

توضیح حقایق برای توده ها تمام رشته های اپورتونیست ها را پنبه خواهد کرد و ماهیت آنان را برای توده ها فاش خواهد ساخت و آنها دیگر قادر نخواهند بود توده ها را بفریبند و سیاستهای این حاکمیت بورژوازی را خرده بگیرند و توجیهات و انقلابی معرفی کنند.

آنها تهنه این واقعیات زنده را برای توده های ناآگاه توضیح نمی دهند، بلکه واقعیات را تحریف کرده و وارونه جلوه میدهند و به دروغ برداری و تحمیق توده های خلق جهت منحرف کردن مبارزاتشان، و توجیه تسلیم طلبی های خود می پردازند. مینویسند:

"خلق کرد باید بداند که در نتیجه ادامه جنگ در کردستان به جدائی و خصومت میان خلق کرد و سایر خلقها چنان دام زنده اند که امروز بخش بزرگی از توده های مردم در سایر نقاط ایران نسبت به بمباران شهرها و کشتار زنان و مردان و کودکان در کردستان با بی تفاوتی نگریسته و بسیاری موارد اظهار خوشحالی می نمایند" (بیانیه - تاکید از ماست)

آیا راستی چنین است؟ و در سایر مناطق بخش های بزرگی از مردم از بمباران و کشتار کودکان و زنان بیگناه کرد ابراز خوشحالی می نمایند؟! باید پرسید در کدام نقطه از ایران مردم به قضیه چنین نگاه کرده اند! اگر اینطور بود مسلم بدانید که دولت جمهوری اسلامی بهاران شهرها و کشتار کودکان و زنان و مردان بیگناه را از توده ها پوشیده نمی داشت.

توده های زحمتکش ایران هیچگاه کشتار کودکان و زنان و مردان و انقلابیون را تأیید نکردند و نخواهند کرد اگر می بینید در اینجا و آنجا توده ها بعلت ناآگاهی و تبلیغات مسوم کننده رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... از سیاست حکومت در کردستان پشتیبانی می کنند به دلیل شادمانی شان از کشتار مردم بیگناه و تأیید چنین سیاست هاست بلکه بعلت ناآگاهی شان از واقعیات موجود و ماهیت واقعی سیاستهای هیئت حاکمه در کردستان است همان واقعیاتی که توضیح آنها را به توده ها و وظیفه خود نمیدانید و تکرار واقعیات می نماید.

هیئت حاکمه با تبلیغات وسیع میکوشد مردم بقبولانند که در کردستان با توده های زحمتکش کرد و نیروهای انقلابی طرف نیست بلکه با یک مشت عناصر وابسته به امپریالیسم و بعث عراق در حال جنگ است. توده ها بیگانه از ماهیت واقعی آنچه در کردستان میگردد بی خبرند و اعتماد ناآگاهیهای به هیئت حاکمه دارند در فریب تبلیغات آنان را می خوردند و شما نیز با بزرگ جلوه دادن فعالیت ارتجاعی ترین محافل وابسته به سرمایه داران و زمینداران بزرگ نظیر پالیسیها و اویسی ها و... و سکوت درباره مبارزات عادلانه و بحق توده های زحمتکش کرد و نیروهای انقلابی و مترقی، با این سیاست ارتجاعی و فریب کارانه هیئت حاکمه همسوز شده و همگام با آنها در جهت مخدوش کردن ماهیت واقعی و خصلت بقیه در صفحه ۶

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

کردستان و
موضع ما

اپورتونیست ها خصلت عادلانه جنبش مقاومت

عادلانه مبارزات خلق کرد و فریب نوده های مردم
گام بر میدارید . ما به عین مشاهده کردیم که حتی
برخی از کسانی که داوطلبانه و برای "جنگ با کفار"
به کردستان رفته بودند زمانیکه با واقعیت تکان
دهنده روبرو شدند و مشاهده کردند که نه از نبره ای
سرکوب عوامل امپریالیسم بلکه برای سرکوب نوده
های خلق کرد و نیروهای انقلابی روانه کرده اند ، از
عمل خود پشیمان گشتند و از ادامه سرکوب نوده ها
خودداری نمودند .

ما شاهد بوده ایم که انتشار اخبار واقعی کردستان ،
چاپ عکس های اعدام و کشتار نوده های خلق کرد
و انقلابیون ، توضیحات ، اعلامیه ها و بیانییه های
آگاهرانه نیروهای انقلابی درباره مبارزات خلق
کرد ، چگونه احساس حمایت از مبارزات خلق کرد را
در نوده های مردم بوجود می آورد و چگونه ماهیت
واقعی سیاست های هیئت حاکمه برای مردم روشن
می گشت و حکومت را به تنگنای انداخت .

اما اپورتونیست ها توضیح واقعیات جنگ در
کردستان و افشاگری های سیاسی آنرا که ماهیت
حکومت را برای توده ها روشن خواهد ساخت ،
"تکرار واقعیات" نامیده و وظیفه خود نمیدانند ، ولی
تحریف واقعیات و وارونه جلوه دادن قضایا ، دروغ
پردازی و فریب نوده ها را وظیفه خود دانسته و فعالانه
در آن جهت تلاش می نمایند . آنها نه تنها در جهت
زدودن اعتماد ناآگاهانه نوده ها نسبت به حاکمیت و
مقابله با تبلیغات مسموم و فریبکارانه آن قدمی
برنمیدارند بلکه به توهمات دامن میزنند و حتی
بالاتر از آن ارزش آگاهی نوده ها (آگاه شدن آنان
نسبت به ماهیت ضد انقلابی سیاست های هیئت
حاکمه در کردستان و فاصله گرفتن آنها از حکومت)
ابراز نگرانی کرده می نویسند :

"تعمیب سیاست سرکوب از جانب هیئت حاکمه
در کردستان امروز باعث گردیده که مردم در ابعاد
گسترده ای از حاکمیت فاصله گیرند و مواضع ضد
امپریالیستی آن را درک نکنند" ، (سرمقاله ۶۵) و
لابد از نظری اپورتونیستی نویا ، نوده ها تشکیک بعط
اعتماد ناآگاهانه ، از حکومت و سیاست های آن
پشتیبانی می کنند "مواضع ضد امپریالیستی آنرا"
درک کرده اند ؟ و دچار توهم نیستند . ولی بخشی
از نوده ها که در برانیک روزمره و با تجربه از سیاست های
هیئت حاکمیتی به ماهیت آن برده و اعتماد
ناآگاهانه شان به بی اعتمادی آگاهانه تبدیل گشته
است ، به عدم درک "مواضع ضد امپریالیستی"
حکومت ! متهم میگردد .
و بدین گونه اپورتونیست ها با دامن زدن به توهم
و ناآگاهی توده های مردم و تحریف واقعیات عملا
به بورژوازی خدمت می کنند .

بی جهت نیست که اپورتونیست های این نماینده
بورژوازی به آنها میگوید : "قبول کنید که در طول این
مدت نسبت به شخص من و امثال من درست عکس
این عمل کردید . . . و از این روست که در آن ، اوج
تبلیغات علیه ما ، تعجب نمی کنیم و می توانیم
فراموش کنیم . . . پس شناسائی اینکه افراد قابل
اعتمادی هستیم یا نیستیم کار آسانتری است ولی
شناسائی آقایان ممکن است یک قدری زمان ببرد .
ما تحقیقا میتوانیم این کار را بکنیم و تحقیقاً روی همه
افراد و گروه ها میتوانیم این کار را کرد .
اگر شما موضع نامتناهی واقعا بیاید یک مطالعه دقیق بکنید
به این موضع سیاسی و اجتماعی که اعلام کردم ، این
اعتماد تبلیغ می خواهد یک طوری تبلیغ هم بکنید
که روی آنها اثر بگذارد (روی مردم کردستان)

نمیخواهیم روی ما اثر بگذارد ، ما احساس نیاز به
تبلیغ شما شخصاً نمی کنیم ، به این اعتبار که خطمان
این احساس نیاز را نمی کند . نه اینکه ارج نمی گذاریم
تبلیغ شما را ، نه اینکه گرامی نمیداریم ولی خطمان
اینست که بنیائیم بگوئیم و صحبت کنیم .
اگر میتوانید بصورت گسترده با مردم کرد صحبت
کنید ، بروید صحبت کنید ، اگر میتوانید این عمل کرد
ناشی از گذشته است ، به آنها نگوئید که این کار دولت
فعلی است به آنها نگوئید دولت فعلی چنین خواهد
کرد ، به آنها این اصل را بگوئید که بیائید ، تنها
نیستید ، ما با هم هستیم ، فقط اعتماد به ما کافیست
این خیلی روشن است " (مصاحبه با بهشتی) ، و از آنان
میخواهد که "حسن نیت" بخرج دهند و اعلام کنند که
ایشان فردی ضد امپریالیست و انقلابی "هستند . تا
بدین وسیله با سوء استفاده از نام و اعتبار فدائوسی و

اپورتونیست های نوپا که با تحریف مضمون طبقاتی
سیاست های هیئت حاکمه ، و ضد امپریالیستی و انقلابی
جلوه دادن این سیاست ها رهبری مبارزه ضد
امپریالیستی و پیشبرد "انقلاب" را به حکومت
سپرده اند . با تحریف علل اجتماعی و طبقاتی
مبارزات خلق کرد و نادیده گرفتن خصلت عادلانه
جنبش مقاومت ، خلق کرد ، صرفاً به محکوم کردن جنگ
پرداخته و درباره آثار و نتایج مخرب آن سخن میگویند

اعتمادی که نوده ها بعطت مبارزات پیگیر و فداکارانه به
فدائیان دارند ، نوده هایی را که در تجربه خویش و
در نتیجه فعالیت آگاهرانه و روشنفکرانه انقلابیون
پی به ماهیت ایشان برده اند ، دوباره دچار توهم
سازند !
اپورتونیست ها مجبورند چنین تحریفاتی نموده و
به توهم نوده ها دامن زنند تا بتوانند سیاست تسلیم
طلبانه و روی برنافتن شان را از مبارزه انقلابی و بنسند
و بست شان را با هیئت حاکمه موجه جلوه گرانند .
آنها مجبورند با حقایق ران تحریف کرده و وارونه نشان
دهند یا سکوت کرده و حقیقت را کتمان کنند . این
از خصوصیات بارز اپورتونیسم است . پیش کسوت
"کمپته مرکزی" آقای کیانوری نیز در بررسی علل
تغییر سیاست هیئت حاکمه در کردستان میگوید :
"تمام مسائل حاکم از این است که عامل مقاومت
خلق کرد معامل تعیین کننده در اتخاذ این سیاست
نبوده است البته ما در این زمینه دلائل فراوان
دیگری نیز داریم که نمی توانیم بیان کنیم (پرسش
و پاسخ شماره ۶ کیانوری - تاکید از ماست) .
آری اپورتونیست ها نمی توانند "دلائل فراوان"
شان را برای توده ها بیان کنند چرا که هشت شان در
پیشگاه توده ها بازمی شود و مردم پی به حقیقت می برند
در آن صورت حنای اپورتونیست ها دیگر از این هم بی
رنگ تر خواهد شد .

اما واقعیات آنقدر روشن و آشکار است که
اپورتونیست ها قادر نخواهند بود ، سیاست های ضد
انقلابی هیئت حاکمه را در کردستان ، انقلابی ، ضد
امپریالیست و خرد بورژوازی جلوه گر ساخته و توده ها
را فریب دهند .
حال بیستیم اپورتونیست های از تحریف حقایق
روشن و سپردن رهبری انقلاب و مبارزه ضد
امپریالیستی به حکومت تحقق خواستهای بحق خلق

کرد را چگونه می بینند .
بقیه از نوده های زحمتکش خلق کرد میخواهند که از
مبارزه انقلابی برای دستیابی به خواستهای برحق
خویش انصراف حاصل نموده و تحقق این خواستها
را در حکومت انقلابی طلب کنند . ولی بازم دچار
تناقض گوئی میشوند ، آنها می نویسند :

"طرح خواستهای حداکثر از آنجا که قابل وصول
نیست به معنای ادا مکنج است ." (بیانییه)
آنها توضیح نمی دهند که چرا خواستهای حداکثر
خلق کرد قابل وصول نیست . آنها به تجربه
دریافته اند که چنین است و دولت جمهوری اسلامی
حاضر به قبول خواستهای خلق کرد نیست . البته
ما نیز معتقدیم که خواستهای حداکثر خلق کرد در
چهارچوب جمهوری اسلامی قابل وصول نیست و در
محدوده تنگ بورژوازی قانون اساسی جمهوری اسلامی
که بر مناسبات سرمایه داری وابسته صحنه گذارده
است انتظار برآورده شدن خواستهای واقعی خلق
کرد بی مورد است چه خصلت قدرت حاکمه (که
بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط قرار گرفته
است) نفی دمکراسی بطور عام و نفی حقوق
دمکراتیک خلق کرد بطور خاص می باشد . ولی آنها که
حکومت را انقلابی و ضد امپریالیست و انمود ساخته و
از پیروزی انقلاب دمکراتیک و ملی دم میزنند و
رهبری مبارزات ضد امپریالیستی و پیشبرد انقلاب
را به هیئت حاکمه میسپارند ، چگونه میخواهند این
تناقض در گفتارشان را توجیه نمایند ، آنها خود
میگویند :

"سیاست های جاری در قطعنامه مجلس شورای
اسلامی که به مقابله با هرگونه حقوق قومی و ملی
خلق ها تاکید دارد ." (سرمقاله ۶۵) که این "سیاست
های جاری در قطعنامه" ، سیاستی است که دولت
جمهوری اسلامی پس از قیام بهمن ماه تا کنون
پیگیرانه دنبال نموده و در قانون اساسی به آن
رسمیت بخشیده است و مجلس "شورای اسلامی" نیز
آنرا ادامه میدهد . البته این سیاستها کاملاً با
خصلت و ماهیت طبقاتی قدرت حاکمه در تطابق
است و بهیچوجه ناشی از "توهمات" و یا "ناآگاهی"
جناحهای از هیئت حاکمه نیست .

آقای بهشتی در مذاکره اش با نمایندگان "کمپته"
مرکزی " در برابر درخواست ایشان کمی گویند :
"اگر آن حداقل حقی که در چهارچوب جمهوری
اسلامی قابل قبول هست برای مردم کرد در نظر
گرفته نشود این صلح بوجود نمی آید . " پاسخ میدهد :

"نه ما متیاز است گفتیم اگر چیزی را عمل کردیدی
مردم منطقه های دیگری را بدین ترتیب به نتیجه های
دیگر داده این میشود امتیاز ، امتیاز یعنی از مردم بیسر
بخش دیگری از مردم ."

اما اپورتونیست ها که خود چنین اظهار نظرهای ناسی
درباره سیاست های هیئت حاکمه نموده اند بناگاه
همه این گفته های خویش را فراموش کرده می نویسند :
"خلق کرد میتواند در چهارچوب جمهوری
اسلامی ایران بسیاری از حقوق دمکراتیک خود را به
جنگ آورد و حفظ نماید ." (سرمقاله ۶۵ تاکید از ماست)
و در جای دیگری می نویسند :

"اولین نظریه ایست که می اندیشد ، تحقق پاره ای از
خواستهای خلق کرد از طریق مذاکره و گفت و شنود
با دولت قابل وصول است و میتوان بر سر آن خواستها
با حکومت به مذاکره نشست ، این نظر اعتقاد دارد
بقیه در صفحه ۷

با تکیه به نیروی توده ها برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بکوشیم

مجلس شورای ...

بقیه از صفحه ۱
خلفهای کرد و ترکمن برخاستند و خواستند در درجه اول بوسیله همین ارتش، مقرر شود که شده، نیشه بر پشه شوراها می بزنند. شوراها بی که پایه های پوسیده نظام گذشته ادر هم می ریخت و هر چه بیشتر در ارتقاء سطح آگاهی توده های مردم نقش داشتند.

اطلاعات دردنباله گزارش خود از دیگرو صحبت های پیش از دستور نماینده خوزستان آورده: "آقای کیوش با اشاره به نقشه های که توسط گران در خوزستان داشته اند وارد جزئیات ماجرا شد و رئیس مجلس با این تذکره عنوان بعضی از مسائل در جلسه علنی مقرر شد به مصلحت نیست، آقا کیوش خواست که کلی تر صحبت کنند و حجت الاسلام خامنه ای نیز گفت رئیس مجلس رانائید کرد و باز سخنران بعدی جنس روحانی اشاره به نطقه های اخیر کرد و مساله آتش سوزی را که اخیراً در یکی از مراکز مهم اسلحه و مهمات موجود آورد و اند مطرح نمود که، اگر این انبار منفجر می شد نصف تهران را خاک یکسان میکرد و نتیجه گرفت که این آتش سوزی عمدی است و این چهارمین مرتبه است که اجرا شده است. ناطق سپس به بی توجهی، مسئولان امور و بخصوص بارز و وزارت دفاع که ادعا کرد بودند این یک اشتباه ناشی از سهل انگاری است، انتقاد کرد و نطقه های دیگری در رابطه با مسائل ارتش مطرح ساخت، که مورد اعتراض رئیس جلسه قرار گرفت و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز یادآور شد که نباید چنین مسائلی را بطور علنی مطرح کرد.

این آقایان، این نمایندگان منتخب مردم - چه از جناح "لیبرالها"، (کسی که ریاست سنی مجلس را به عهد داشت)، چه از حزب جمهوری اسلامی (حجت الاسلام سید علی خامنه ای، رفسنجانی) و چه پست وزارت دفاع، معتقدند مصلحت نیست که چنین مطالبی در پیشگاه مردم عنوان شود. چرا که اینان در موضع تحکیم قدرت سرمایه داری و نیز سرکوب نیروهای انقلابی، اتفاق نظر و اتحاد بینشان وجود دارد.

چمران این عامی است

امریالیزم، این دشمن آشتی ناپذیر، در پی کج کردن ترکمن، ... چمران و ... می گوید: "ما باید بدانیم که به ارتش نیاز هست یا نیست. که اگر هست در نابودیش نباید بکوشیم ... ظهور نژاد مورد قبول همگان است، حتی با فوری از دو ماه قبل این توطئه را بر رئیس جمهور گزارش می داد. ... مسائلی که حالاً آن دست و پنجه نرم می کنیم خرابکاری نهادهای انقلابی نیست بلکه فقدان دیسپلین در آنجا است."

در رابطه با کودتای چریزی رامی توان از مردم پنهان نگاه داشت و پیاوافتی امر را در گرو نه جلوه داد. مردم باید بدانند و در پی آنند که میدانند علیرغم باخبر بودن از کودتای فریب القوم امریکایی (اطلاعاتی که راجع به کودتا، آتش سوزی های عمدی و ... در دو ماه قبل به سپاه پاسداران و رئیس جمهور داده شده بود) چرا، حاکمیت و نمایندگان ضد امریالیست! "آنها، نه تنها از آن دم نزدند بلکه در تمام روزنامه های خود از طریق رادیو تلویزیون به تجلیل و تائید ارتش جمهوری اسلامی در همان زمان پرداختند و مرتباً از استقبال با شور مردم در کردستان "از برداران ارتش" و تشیع جنازه ها و روزهای آنان داد سخن میدادند!

چمران از "ظهور نژاد" آن عنصر جنگ طلب که دستش به خون دهان و زخم گشکان در آذربایجان غربی و خلق کرد آغشته است و تقدیر بعمل می آورد. این افسر ارتش نیا هنیاهی همان کسی است که آقای مهدی بهباد ران نماینده اعزامی "آیت الله منتظری" از نقش پلیدش در جنایت هولناک "دهکده ی فارنا" یاد کرد و گفت از جمله ی مسلمان اصلی کشتار در غرب کشور است. بیشتر بگوئیم: این افسر ارتش شاهنشاهی از غاملان جنگ نغده، تجاوزات فتو دلها و زمینداران ترکور، و مرگور، شیخ گزگسک و ... علیه دهقانان بوده است. این "جناب" کسی است که از "مسعود" و "ادریس" بارزانی و

سایر عناصر "قباد موقت" (سر سپردگان سیا، ساواک و موساد) در جهت تحکیم خلق کسب و استفاده و حمایت کرد. و بساز همین آقا آن عنصری است که زمینداران و سرمایه داران لافده و آذربایجان غربی، امشبال "فرود" و "بهن خسروی" و "عظیم متوری" را با مبلغ گزاف و سلاح های فراوان علیه دهقانان و زحمتکشسان آذربایجان غربی و کردستان مسلح کرد و طرح کشتارشان را به مرحل اجرا در آورده است!

با چنین شمایی، بساز حرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی این است که: این ارتش نباید تضعیف بشود! برایشان دیسپلین ارتش ضد خلقی مهم است. ارتشی که سالها به قتل عام مردم پرداخته است و در روزهای هفده شهریور روزهای دیگر قبل از قیام مردم را بگلوله می بردت و بالاخره حرف آخر نمایندگان محترم این است که: "همه چیز را نباید مردم بدانند، چون مصلحت نیست!"

درواقع مسئله مجلس شورای اسلامی، همان مسله همیشگی بورژوازی است! اینکه توده ها را در نا آگاهی نگاه دارد و از طریق نیروهای سرکوب، که در اختیار گرفته است، حرکت های آگاهانه و سازمان های مترقی توده های را، تضعیف و نابود کند. از همین روی، برای مجلس شورای اسلامی مهم نیست که وقت خود را صرف حل مشکلات توده ها کند!

مجلس شورای اسلامی لازم نمی داند که از تورم، گرانی، بیماری، مشکل مسکن، فقدان دموکراسی و سرکوب نهادهای دموکراتیک و جز آن صحبت شود. انگار این توده ها نبودند که آنها را به مجلس فرستادند! دولت حاکم و نمایندگان منتخب "روز به روز" فرو می ریزد، هر چند که سیاست ارگانهای دولت جمهوری اسلامی در جهت هر چه بیشتر جلوگیری از رشد آگاهی توده ها است. اما توهم خوشبینانه توده ها نسبت به دولت حاکم و "نمایندگان منتخب" روز به روز در هم می شکنند. در این میان وظیفه نیروهای انقلابی و افراد آگاه است که با توجه به جریانات موجود در میهنمان، هر چه بتوان ترس افشاکاری سیاستهای کاذب و مردم فریب بیرازند!

تجدید نظر

تجدید نظر از صفحه ۶

طرح خواسته های حداکثر از آنجا قابل وصول نیست به معنای ادامه جنگ و درگیری خواهد بود. (بیانیه تاکیدها از ماست)

در جایی از "بسیاری از حقوق دموکراتیک" صحبت می شود و در جای دیگر از "پارهای از خواسته ها" که خلق میتواند به جنگ آورد و حفظ نماید. ولی مشخص نمیگردد این کدام خواسته های دموکراتیک خلق است که در شرایطی که هیئت حاکمه به مقابله با هرگونه حقوق قومی و ملی خلق ها تاکید دارد. از "طریق مذاکره" و گفت و شنود با دولت قابل وصول است. این خواسته ها بر اساس کدام تحلیل از اوضاع سیاسی، تناسب قوای طبقاتی و خصلت و ماهیت قدرت دولتی و ... تعیین گردیده است. آیا برآستی پس از یکسال و نیم تجربه کردن سیاستهای هیئت حاکمه هنوز هم اپورتونیستها ادعا می کنند که بسیاری از خواسته های دموکراتیک خلق کرد از طریق گفت و شنود قابل وصول است؟ و "انقلابیون کمونیست" وظیفه دارند برای رسیدن به چنین مصالحه ای در کردستان با تمام نیرو کوشش کنند" (سرمقاله ۶۵) و البته راه و روش رسیدن به چنین "مصالحه" ای مذاکره و گفت و شنود است؟

اما علیرغم تمام حقایق روشن، اپورتونیستها مدعی اند که بسیاری از خواسته های دموکراتیک خلق کرد قابل وصول است و تنها مشکل "نا آگاهی" و "جنگ" طلبی جناحهایی از هیئت حاکمه است که آن هم با مذاکره و گفت و شنود رفع خواهد شد! آنها همچنین مشخص نمی کنند که بالاخره خواسته های حداکثر خلق کرد چگونه تحقق خواهد یافت و آیا خلق کرد برای تحقق خواسته های حداکثر خویش باید به مبارزه انقلابی ادامه دهد یا از مبارزه بخاطر این خواسته ها و طرح خواسته های حداکثر منصرف گردد؟ دولت جمهوری اسلامی چگونه "بسیاری از حقوق دموکراتیک خلق کرد" را تا مین خواهد نمود و این "بسیاری خواسته ها" چگونه به چه طریق بیخواسته های حداکثر تحول پیدا خواهد کرد؟ آیا آنها نیز همچون بیش کسوتان شان، اپورتونیستهای حزب توده چنین می اندیشند که "دموکراسی انقلابی" جمهوری اسلامی در تحول مسالمت آمیز به سوسیالیسم گذار خواهد کرد و بدین ترتیب تحول تدریجی و رفرف م های مختلف، خلق کرد به خواسته های واقعی خویش دست خواهد یافت؟ اگر چنین می اندیشند که جوهر تحلیل هایشان مشحون از چنین اندیشه هایی است، چرا صراحتاً "انرا اعلام نمی کنند؟ و اگر جز این است پس چرا آنرا با مردم در میان نمی گذارند؟ آنها باید موضع خود را در این موارد بطور صریح روشن برایشان توده ها توضیح دهند و نیز از این در برده سخن

نگویند. البته ما میدانیم که هدف آنان از در برده سخن گفتن و اظهار نظرهای ضد و نقیض و بهم بافتن و بازر گذاردن راه برای توجیه سیاستهای اپورتونیستی و سازشکارانه و بندوبست شان با قدرت حاکمه است. آنها نهایتاً "میخواهند مبارزات خلق کرد را در وجه مصالحه سازش خود با حکومت قرار دهند. لذا ناگزیرند که با واقعیات را تحریف نمایند، به توده ها دروغ بگویند و در برابر جناحهای، هیئت حاکمه در کردستان و سایر مناطق سکوت اختیار کنند. مادر شماره های آینده نشان خواهیم داد که چگونه اپورتونیستهای نیوی مادر لافاه و در پوشش "صلح عادلانه" بدنبال تحقق صلح بهر قیمت هستند. و با انصراف از مبارزه انقلابی و خالی کردن سنگر مبارزه زحمتکشان می رفرفمیستی در پییش گرفته اند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



بررسی تحولات سیاسی

رفقا با دید رجلسات هفتگی (یا ۱۰۰۰) خود تحولات سیاسی مهم (از قبیل جنگ در کرمانستان، حرکات امپریالیسم از قبیل کودتا - حرکات ضد موکراتیک، حاکمیت در گریهها و اختلافات درون ارگان سازش و... را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داده و کوشش کنند ضمن اطلاع نظرات مطروحه در سطح جنبش، نتایج بحث خود را مدون کنند و در صورت امکان آنرا منتقل نمایند. این کار باعث بالا رفتن قدرت تجزیه و تحلیل رفقا خواهد شد.

مطالعه تئوریک عام

در این شماره قتلایا رفقا صحبت کرده ایم بنظر ما مطالعه تئوریک باید با هدف مشخصی دنبال شود. در این مورد باید از مطالعه پراکنده و بدون برنامه خودداری کرد. هر رفیقینی با بدسات مشخصی را به مطالعه اختصاص داده و هم در رفقای هسته از یکدیگر مسئولیت و گزارش بخواهند. از آنجا که مسائل مبرم کمونیستی، بررسی ماهیت حاکمیت کمونیستی و همچنین تعیین سیاست کمونیستها در قبال آنست، رفقا باید مطالعه خود را پیرامون آثار و متمرکز کنند که آثار و تئوریهایی مربوط به دولت و مباحثی مربوط به اتخا دتا کتیک کمونیستها باشد.

انتقاد و انتقاد از خود

همانطور که میدانید انتقاد دوانتقاد از خود یکی از اصول اساسی تشکیلات کمونیستیست بنا بر این تا کید میکنیم که همه رفقا باید عمیقاً نقش را همبیت آنرا درک کرده و بعنوان سلاحی سازنده آنرا در جهت تصحیح خفا - کاهش - خطاها و افزایش راندمان کار ریکاگرینند. رفقا باید عمیقاً پی ببرند که یک جریان کمونیستی بدون داشتن روابط انتقادی بقیه در صفحه ۱۰

های جمعی با مسائل مطروحه هم به آگاهی خود عمق و وسعت ببخشند و هم با تشخیص اشتباهات و خطاهای نظرات ما، سازمان را در جهت دست یافتن به تئوری جامع و اتخا دت سیاستها و تاکتیک صحیح یاری رسانند. با توجه به آنچه گفته ایم میتوانیم با طرح وظایفی پیرامون کار سیاسی - تشکیلاتی، رفقای را که با ما ارتباط مستقیم ندارند، در دوزمین (کی) فعالیتها و درونی دیگری بیرون (راهنمایی کرده تا بنحویهتری بتوانند به وظایف انقلابی خود عمل کنند.

الف - فعالینهای درونی؛ چون یکی از اساسی ترین مسائل برای کمونیست

امروز شما را های سرنگونی بلاواسطه آنرا باید در دستور قرار داد. همچنین اگر بخواهیم سیاستهای سازشکارانه و موضع تسلیم طلبانه "کمیته مرکزی" در مورد جنگ کردستان و صلح مورد نظر آنرا، حمل میکنیم به این معنی نیست که ما طالب جنگیم و به هیچگونه سازش (سازش بمفهوم لنینی کلمه) و مذاکره یا عقب نشینی اعتقاد نداریم. نکته دیگر آنکه ما با راهها شاد دعوا مفریبی های "کمیته مرکزی" پیرامون چنین مسائلی بوده ایم بعنوان مثال در پلنوم وقتیکه بحث بر سر مبارزه ایدئولوژیک در گرفت، آنها طرفدار "بازگشت به اصول" و پیرداختن به

عمیقاً اعتقاد داریم؛ بدون مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش و بدون شرکت فعالانه هواداران، سایر فعالیتها سیاسی و تشکیلاتی، کیفیت و نقش لازم را در ارتقاء جنبش نخواهد داشته لذا تا کید داریم که رفقای هوادار بیش و پیش از هر چیز، آگاهانه و با شناخت لازم عهده دار وظایف انقلابی گردند و به تبلیغ و ترویج نظرات سازمان بپردازند. با اعتقاد ما عدم آگاهی از مواضع سازمان و محدود بودن شناخت رفقا از مضمون اختلافات ما با "کمیته مرکزی" رفقا را در انجام وظایفشان دچار اشکال خواهد کرد دو عملاً نمیتوانند در خدمت

رفقا، تربیب به دو ماه از حرکت نوین ما میگذرد و از آن مقطع، بسیاری مسئولیتها سنگین تری را متقبل شده ایم. وضعیت مبارزه طبقاتی، ناتوانی حاکمیت سیاسی در پارسا گویی به خواستهای توده ها که نتیجه محتوم آن فاصله گرفتن توده ها از آنست، ضعف و ناتوانی کمونیست ها در پارسا گویی به وظایف مبرم، سیاستها و تاکتیکهای متنوع امپریالیستها و بورژوازی بزرگ برای جبران عقب نشینی تاکتیکیشان در فاشیسم، دست بدست هم داده و شرایط را بوجود آورده است. در این شرایط بحرانی و وظیفه ما تلاش بیشتر از پیش در جهت پیشبرد مضمون انقلابی و خنثی کردن سیاستهای انحرافی بورژوازیست که جنبش را به سیرا هه میکشد. به همین جهت با زمان ندهی کمونیست ها در آن و سرقراری سببوند ارگانیک با آنان نقض موثری در انجم وظایف ما ایجاد میکند. از آنجا که ما در شرایط

وسیع و مستقیم در شرایط کنونی عملاً زعهده ما خارج بوده و موجب اکتدکی توان آن چیزی میشود که سازمان انقلابی در چار بود، لذا گسترش بی رویه و جذب همه رفقای هوادار (تا مدت معینی که ظرفیت جذب آنها را پیدا کنیم) امری غیر اصولی تلقی کرده ایم. در چنین شرایطی که با این نهادها جیم، (یعنی از یک طرف بسا ضرورت سازماندهی و هدایت جنبش انقلابی توده ها موا جیم و از طرف دیگر موکدا با گسترش بی رویه غیر اصولی تشکیلاتی مخالفت داریم) میبایست در صورت نداشتن ارتباط تشکیلاتی با ارتباطات غیر مستقیم و سود جستن از رهنمودهای سازمان مبرم های هوادار به وظایف انقلابی خویش عمل کند. در این رابطه نشریه کار با بدیمتا به راهنمای هواداران، حاوی رهنمودهایی باشد که به چنین نیازهایی پاسخ گوید. رفقا از آنجا که

سخنی با رفقای هوادار

پیرامون کار سیاسی و تشکیلاتی

ما، تشکیلات است، رفقا باید در هر کجا هستند (کارخانه - مزرعه - دانشگاه - مدرسه - اداره - ...) ابتدا با انقلابی ترین و نزدیک ترین رفقای که آنها را بخوبی میشناسند در هسته یا هسته های متشکل شوند و برای پیشبرد کار خود برنامه ریزی کنند. این برنامه باید حاوی مسائل زیر باشد:

مطالعه کار و نبرد خلق

این دو ارگان بویژه باید دید انتقادی مطالعه شده و با احساس مسئولیت هر چه بیشتر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. انتقادات و پیشنهادهای را جمعیت کرد و در صورت امکان آنرا برای ما بفرستید. در صورت عدم امکان ارتباط نیز رفقا نباید از برخورد انتقادی فعال صرف نظر کنند.

مطالعه ای بودند که عملاً ما را از پارسا گویی و سرخوردن با مسائل مبرم جنبش باز میداشت، ولی ما معتقد بودیم که مسئله سازشکارانه ایدئولوژیک باید حوال مسائل، حاوی مبرم صورت گیرد. و این اختلافی اساسی بود که به اشکال دیگر نیز خود را نشان داد "کمیته مرکزی" اینجا و آنجا شایع میکرد که رفقای اقلیت اطلاعیه مبارزه ایدئولوژیک اعتقاد ندارند، یا میگفتند آنها اصول عام کمونیستی ندارند (اگر چه بدنیال تصمیمات پلنوم مطابق با آنچه که "کمیته مرکزی" به پلنوم تحمیل کرد، عمل کردیم و نگاه "کمیته مرکزی" ۱۸۰ درجه چرخید و گفت اینها به مطالعه صرف پناه برده اند!) بهر حال رفقا در توضیح و دفاع از مواضع سازمان وظیفه سنگینی بدوش دارند که قطعاً باید با مطالعه پیگیر و برخورد

تبلیغ و ترویج صحیح مشی و نظرات سازمان قرار گیرند. ملاحظه صرف آگاهی بسه اپورتونیزم را است حاکم بر تفکر و مشی "کمیته مرکزی" و دیدن فاصله ما با آنها کافی نیست که بتوان گفت از مواضع سازمان دفاع کرده و یا آنرا توضیح داده ایم. در این رابطه رفقا باید مری بین ما و جریان های چپ جنبش کمونیستی را دیده و بهنگام برخورد با جریان های راست، این فاصله را نیز در نظر داشته و آنرا توضیح دهند. بعنوان مثال ما میگوئیم "کمیته مرکزی" حاکمیت کمونیستی را "ملی و انقلابی" میدانند ما این معنی نیست که ما حاکمیت را حاکمیتی دست نشانده و مسز دور میدانیم یا مثلاً وقتی که میگوئیم این حاکمیت عمدتاً با ما هیتا بورژوازی است، اعتقاد نداریم که

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

سخنی با رفقای هوادار...

بقیه از صفحه ۹

تبلیغ و ترویج زد.
ب- وظایف بیرونی (اهم فعالیتها):

وظایف بیرونی رفقا بر اساس شرایط مشخص منطقه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، تعیین میشود. باید با تحلیل از ترکیب طبقاتی نیروهای که در محیط فعالیت رفقا قرار دارند، به کارگران و حاکمیتان تکیه کرد و فعالیت سیاسی خود را تنظیم نمود.

شرکت در جنبش توده‌ها

رفقا باید همواره در جنبش توده‌ها شرکت نموده و با اتخاذ تکنیک‌های مناسب سعی در بالابردن آگاهی توده‌ها داشته و آنها را در سازمان‌های توده‌ای متشکل نمایند. مثلا اگر در منطقه‌ای دهقانان بی‌زمین برای کسب و مصدا در زمین کسب می‌کنند، رفقا باید ضمن توضیح مسائل ارضی و حقوق دموکراتیک توده‌ها، به دهقانان ضرورت ایجاد دشواری دهقانان یا اتحادیه دهقانان، را خاطر نشان کرده و آنان را در این امر یاری رسانند. از آنجا که برداشت‌های نا درست و یکجانبه در برخی از نیروها باعث کم‌بها دانستن به امر دموکراتیک مبارزه و بی‌توجهی به نقش سازمان‌های دموکراتیک گردیده، لذا کوشش در این زمینه را از انتم وظایف رفقای هوادار دانسته و معتقدیم که تکیه یکجانبه به "کار در میان کارگران" بی‌توجهی محض موقعیت جنبش و آرایش نیروهای انقلاب دموکراتیک است و آشکارا با درک صحیح از وظایف سوسیالیستی و دموکراتیک، بیگانگی دارد.

تبلیغات سیاسی

از دیگر اقدامات بیرونی رفقا باید کوشش در جهت گسترش تبلیغات سیاسی را ذکر کرد. رفقا برای این امر میتوانند به کارهای زیرمبادرت ورزند: فروش نشریه‌ها، کاروانسرخ، بساط کتایف و روشی در مکان‌های مناسب، نصب اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و پوسترهای سازمان در

فادربه ادامه حیات انقلابی خویش نیست. در برخورد های انتقادی حتما باید پدیده سازنده بودن انتقاد توجه داشت و آنرا به سلاحی مخرب تبدیل ساخت. حق زدن - بهانه گیری - مع‌گرفتن کنترل های خرد بورژوازی و ناسالم، نباید جایگزین انتقاد سازنده شود. بدون توجه به این مسائل نمیتوان روابط اصلی انتقاد و انتقاد را زخود داشت و شاهد رشد و شکوفایی رفقا بود. ما با زهم تا کید میکنیم که رفقا قبل از هر چیز باید به نقش و اهمیت انتقاد به مبارزه سلاحی که ما را در مبارزه برای آزمان پرولتاریا یاری میرساند توجه عمیق داشته باشند و فراموش نکنند که بسیاری از خصوصیات غیر پرولتری محتاج مدت زمانی طولانی است و باید بصورتی که از تکرار انتقاد دست نهد و به رفقا اجازه داد تا در فرصت لازم خود را تصحیح کنند.

جمع بندی دوره‌ای از کار

رفقا باید در فواصل معینی (مثلا یکماهه) کارهای انجام شده را ارزیابی کرده و با بررسی انتقادات اشتباهات مجموعه فعالیت های خود را جمع بندی کنند. در صورتی که مطابق برنامه هسته موفق به بالابردن ظرفیت و کیفیت نیروهای خود شده باشد میتواند مسئولیتهای بیشتری را عهده دار شود. و چنانچه در این زمینه موفق نبوده باشد باید ریشه‌های مسئله برای رفع اشکال (در برنامه ریزی و سایر مسائل) تجدید نظر کرد. در شرایطی که رفقا پروسه‌ای طولانی را طی میکنند و در مجموع از کیفیت بالایی برخوردار هستند، چنانچه موفق به ارتقای سطح گیری با سازمان نشده، میتوان نندبعنوان گروه هوادار اعلام موجودیت نموده و در منطقه خودشان فعالیت سیاسی داشته باشند. نتیجه رفقا باید توجه داشته باشند که هر صورتی نمیتوان از نام گرفت چرا که استفاده کرد که بر اساس چهار چوب دست سازمان دست به

سرکوب دکه داران

و نظرات مردم

گروه دوم: این گروه برخلاف گروه اول به مساله کاملاً از زاویه سیاسی برخورد می‌کنند و ارتباط لاینفک این حرکات سرکوبگرانه را با سایر اعمال دولت می‌بینند. محور برخورد این گروه اینست که چون حاکمیت در جهت منافع خلق نیست و از آنجا که حامی سرمایه داران و تجار بزرگ بازار است... میباید برای تأمین منافع آنها اقدام به فشار روی توزیع کنندگان خرید می‌نماید. بیشتر افرادی که در این گروه جای میگیرند، از رابطه سرکوب دکه داران و جمع آوری بساط آنها با سرکوب خلق کردوترکن و... سرکوب کارگران بیکار، بسی محتواساختن شوراهای توده‌ای سرکوب دانشجویان و گروه‌های انقلابی صحبت می‌کنند و در مجموع این حرکات را جزو ماهیت حاکمیت کنسروی میدانند.

گروه سوم: برخورد این گروه با مساله برخوردی دوگانه است، از یکطرف این اقدام را قبول ندارند و از طرف دیگر آنرا نه در ماهیت حاکمیت کنونی بلکه در اقدامات جناحی از حاکمیت می‌بینند، این دسته مثلا شهرداران آینده سرمایه داران میدانند ولی کل حاکمیت را در این عمل تبرئه کرده و از آن حمایت می‌کنند، مثلا تعدادی از این گروه به بنی صدراعقتصاد توحیدی اشراف و فرارهایش باطن حمله کرده‌اند. حاکمیت را نصیحت می‌کنند و یا معتقدند که حاکمیت سیاسی در این امر اشتباه می‌کند و فکر می‌کنند که دولت میتواند مساله بیکاری، تورم، فقر را حل نماید و حتی هشدار میدهد که دولت باید بداند با این اقداماتش مردم را

دولت جمهوری اسلامی به بهانه‌های از قبیل زیباسازی شهر، جلوگیری از فروش نوارهای مبتذل و پاکسازی پیاده‌روها اقدام به جمع آوری دکه‌های کنار خیابان و جمع آوری بساط آنها نموده است. این اقدام دولت توسط ارگانهای سرکوب ماهیت واقعی دولت جمهوری اسلامی را نشان داد و در این مورد نه فقط اعتراض دکه داران را برحق برانگیخت، بلکه مردم کوچک و بزرگ را اکثر نیز نسبت بدین امر اعتراض داشتند. عده‌ای از هواداران سازمان پیرامون این مساله اقدام به نظرخواهی از مردم نمود و این نظرخواهی را برای مافستاده اند. مضمون قدر دانی از این کار نظرات مردم نمود و برای اطلاع خوانندگان نشریه کار منتشر می‌نمائیم.

حدوده و غیر در نقاط مختلف شهر نظراتشان را راجع به برچیدن دکه‌های کنار خیابان در این نظرخواهی نوشته‌اند که میتوان آنرا به سه گروه اساسی تقسیم نمود. علاوه بر آن تعداد قلیلی نیز نظراتی متفاوت از این سه گروه داشتند که نظرات آنها را نیز بعنوان گروه‌های فرعی در این جمع بندی می‌آوریم. گروه اول: این گروه مساله را صرفاً از نظر اقتصادی مورد توجه قرار داده و معتقدند که جمع آوری دکه‌ها باعث رواج بیکاری و فساد خواهد شد و باید تا پیدا کردن کار برای بیکاران دکه‌ها همین وضع بماند. این گروه وارد این مساله که علت جمع آوری دکه‌ها چیست نمیشوند و نمیگویند چرا دولت چنین اقدامی انجام میدهد.

جای‌های پررفت و آمد و محل تجمع توده‌ها، در شست نویسی مقالات یا بخشی از نوشته‌های کاروانسرخها، معابر شهر و روستا، بخش تراکت و اعلامیه پیرامون مسائل ویژه منطقه فعالیت رفقا. افشاء سیاستهای هیئت حاکمه، در اشکال متنوع و گوناگون و تلفیق آنان با یکدیگر، رفقا توجه داشته باشند که بخش نشریه کار و اعلامیه‌های سازمان، از اهمیت درجه اول برخوردار است.

شرکت در کار و زندگی

جمعی توده‌ها

علاوه بر فعالیت‌های جمعی در محیط‌های خاص شغلی بویژه رفقا باید در کار روزندگی توده‌های زحمتکش بویژه کارگران شرکت کنند تا ضمن فراگیری از آنان به آنها نیز آشنایی‌های خویش را بیاموزند البته آمیزش با زندگی توده‌ها ما دام که بر مبنای درکی عمیق از نیازات آن، صورت نگیرد،

ناراضی کرده و وادار به شور می‌کند. حدود ۹۰٪ کسانی که نظراتشان را نوشته‌اند در سه گروه بالا جای میگیرند و بقیه به گروه‌های فرعی تقسیم میشوند.

عده‌ای معتقدند که اگر چه این حرکت غلط است ولی دکه داران نباید هیچ اقدامی کنند چون در کل حرکات امپریالیستی حاکمیت خلس وارد شده و آن راه بیراهه میکشد. گروه کوچکی معتقدند که دکه‌ها باید جمع شوند چون در توزیع اخلاص می‌کنند ولی باید برای اینها کار در جهاد سازندگی درست کرد و اینها را به روستاها فرستاد.

عده دیگری به ابراز گرایشات لیبرالی خود پرداخته و تنها از این زاویه به مساله نگریسته‌اند که روحانیت مسبب این وضعیت است. گروه بسیار ناچیزی هم بیش از هر چیز نگران اسلام می‌باشند و معتقدند که نباید با این حرکات اسلام را بدنام نمود. نکته قابل توجه در این بود که فقط درصد ناچیزی از افراد یکه از آنها سوال شده این حرکت را تأیید نموده‌اند که مسلمانان رابطه مستقیمی با منافع آنان داشت. اما نکته مهمی در مورد رفقای که اقدام به نظر خواهی، مصاحبه و... با مردم می‌کنند اینست که رفقا باید کوشش کنند که نظرات افرادی که گفته‌اند، منطقه میدهند حتما شغل، منطقه سکونت، میزان سواد خود را بنویسند این مساله در جمع بندی ما، آنکه سازمان راجع به برخورد های اشرار مختلف مردم نسبت به مسائل مهم روز دارند مورد استفاده قرار میگیرد.

نمی‌توانند نقش سازنده‌ای در تصحیح و تنگنا مل خصائص ما داشته باشد. ما باید بر مبنای چنین درکی، در زندگی روزمره (بی آنکه تعجیل کنیم) پیوندهای عمیقی با آنها داریم. و همچنین باید خاطر داشت که در تعمیق آنچه که ما را به جانفشانی در راه خویش میکشاند، باید عشق به توده‌ها را در وجودمان زنده تر سازیم.

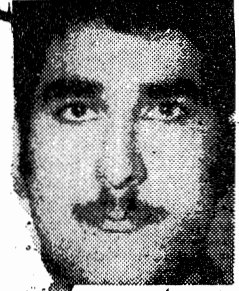
گرامی باد یادرفقای شهید

برگهای تاریخچه خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در روزهای مرداد ماه نیز گلگون است. یادرفقایان رزمندگانی را که به موجودیت پرافتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هستی بخشیدند بزرگ میداریم و به زندگی سراسرافتخار و بی پیرایه شان که سنت های نویینی را در جنبش انقلابی میهنمان بدست گذاردند درود می فرستیم رفیقانی که تا اوپسین دم زندگی به آرمان کارگران و زحمتکشان وفادار ماندند و عالیترین نمونه عشق به خلق و ایمان به رهائی کارگران و زحمتکشان را با ایستادگی های بیرونی و در مقابل دشمن خلق به جهانبیان نشان دادند. رفقای که در مرداد ماه به شهادت رسیدند همانند سایر فدائیان شهید

فرزندان نمونه خلق، انسانهای ساده، دوست صمیمی مردم زحمتکش، انقلابیون قاطع و تزلزل ناپذیر بودند که به ما درس زندگی دادند. آنها چه بسیار ساده میا موختند که زندگی یعنی مبارزه و مبارزه یعنی تلاش برای اعتلای زندگی. آنچه زندگی مبارزاتی فدائیان شهید را برجسته میسازد صداقت و ایمان تزلزل ناپذیرشان به رهائی زحمتکشان و به سوسیالیسم، آشتی ناپذیری و سرسختی شان در مبارزه با دشمن خلق است. بکوشیم خصایص برجسته کمونیستی را از رفقای شهیدمان بیاموزیم و در پی کار علیه دشمن خلق و طبقه کارگر سرسخت و تزلزل ناپذیر باشیم.

- ★ زین العابدین رشتچی
- ★ احمد زبیرم
- ★ حسین اللهیاری
- ★ غلامرضا بانژاد
- ★ فریدون شافعی
- ★ جهانبخش یابداری
- ★ سعید میرشکاری
- ★ عباس جمشیدی رودباری
- ★ ونداد ایمانی
- ★ مرتضی فاطمی
- ★ هرمزگر جی بیانی
- ★ عبدالله سعیدی بیدختی
- ★ یوسف کشی زاده
- ★ محمد صفاری آشتیانی
- ★ مهدی فضیلت کلام
- ★ فرخ سبیری
- ★ فرامرزشرفی

۲۸ مرداد سال (۱۳۵۱) روزنامه های رژیم منفور پهلوی با تیتراژ درشت گزارش دادند که "چریک فدائی خلق احمد زبیرم، عضو شبکه جنگل کشته شد". چگونگی درگیری و شهادت حماسی رفیق احمد زبیرم، که در روزنامه های جیره خوار رژیم درج شده بود تاثیر گسترده ای بر مردم باقی گذارد و دروغهای بی شرمانه رژیم را در باره با صلااح "خرابکاران" رسوا کرد.



کیهان در شرحی بر این ماجرا نوشت: روز بردند مادر خانواده ای که احمد زبیرم در خانه شان کشته شد. ماجرا را چنین بازگو کرد: من تازه از خواب بلند شده بودم و در اتاق بای ساور نشسته بودم، شوهرم ابو القاسم هم تازه از مسجد برگشته بود و در حیاط نشسته بود. یکدفعه از پنجره دیدم مردی که لباس هایش خونی است اسلحه بدست روی پشت بام ایستاده است. بعد از دیدن بانین آمد و سگینه و سر کوچکم راه زیر زمین برد. او مدتی روی پله ها ایستاد، و پشت بام های اطراف را نگاه کرد. من خیال کردم او دزد است. میخواستیم پیش بجهان بروم. بعد وارد اتاق شد و بین انار و کرد که یک گوشه بایستم. از ترس زبانم بند آمده بود و نمیدانستم بگذارم که به او اصرار کردم که بگذارد من هم پیش بجهنم بروم ولی او میگفت با تو کاری ندارم. مادر، بعد هم از من جادخواست، منم یک جادر کهنه به او دادم و آن را به کمرش بست. مقداری پول هم از جیبش درآورد و خواست پول جادر را بدهد ولی من قبول نکردم. وقتی باز هم اصرار کردم که بگذارد من پیش بجهنم بروم گفت کرد مرا به زیر زمین برد.

رفیق احمد زبیرم، همیشه می گفت: ما نمیتوانیم با دشمنان خلق روبرو شویم. کسی که کینه ای بیایان به دشمنان خلق نداشته باشد نمیتواند از عشق به خلق سخن بگوید.



چرا از قطع تحریم اقتصادی تا به امروز واردات کالاهای انگلیسی دو برابر شده است؟! آیا از نظر جمهوری اسلامی امپریالیسم انگلیس "خوبتر" از امپریالیسم آمریکا است؟ ما میگوئیم: تمام امپریالیستها دشمن ما و همه حلقهای جهانند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ت - الف ۴